

واکاوی تحولات سیاسی و دگرگونی‌های اجتماعی عصر قاجار با محوریت نقش بازرگانان

محمد اسماعیلی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

ابوالحسن مبین

دانشیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

امید سپهری

گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۲۰ شماره ۷۷ تابستان ۱۴۰۴ صفحه ۱۷۵-۱۴۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۳

چکیده:

تجار (بازرگانان) به عنوان رکن اصلی بازار یکی از سه گروه راس هرم قدرت بودند و بر اساس موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود در امور نقش آفرینی می‌کردند. آنها با شروع حکومت قاجاریه و تسلط دولت‌های روس و انگلیس با وضعیت نابه‌سامانی مواجه شدند. ضعف دولت مرکزی و قدرت حاکمان ستمگر و قدرت‌های خارجی، تجار ایرانی را در آسیب‌پذیرترین موقعیت طبقاتی اجتماعی قرار داد. این امر باعث افزایش درگیری بین بازرگانان و دولت شد. تلاش ناکام گروهی از بازرگانان برای رویارویی با تهدیدات داخلی و خارجی باعث شد تا آنها آگاهانه به یکی از فعال‌ترین گروه‌های اجتماعی در روند مشروطیت تبدیل شوند تا خواسته‌های تاریخی خود را برآورده سازند. هدف از این پژوهش که به روش تاریخی و بررسی توصیفی - تحلیلی و تطبیق داده‌ها و اطلاعات از اسناد و منابع صورت گرفته و شیوه گردآوری اطلاعات آن مراجعه به مراکز کتابخانه‌ای و آرشیوهای اسناد و روزنامه‌ها است، واکاوی تحولات سیاسی و دگرگونی‌های اجتماعی عصر قاجار با محوریت نقش بازرگانان می‌باشد.

نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد که همراه با خودآگاهی درونی و کسب دانش و تجربه، به‌ویژه از نیمه دوم قرن نوزدهم، بازرگانان با واکنش‌های سیاسی، اجتماعی و تجاری به تهدیدات داخلی و خارجی پرداختند. . تأسیس انجمن وکلای بازرگان در سال ۱۳۰۱ هجری قمری، نهضت تنباکو (۱۳۰۸ هجری قمری) و تأسیس کارخانه‌ها و شرکت‌های بازرگانی از جمله فعالیت‌های آنان است. اما موانع همچنان باقی بود. آنان انحطاط شدید اقتصادی کشور را به حاکمیت سیاسی و سیاست‌های اتخاذی آن نسبت می‌دادند و با این فکر، در اصلاح امور با جنبش مشروطه همراه شدند.

واژگان کلیدی: عصر قاجار، بازرگانان، تحولات سیاسی، دگرگونی‌های اجتماعی

۱. مقدمه

جامعه ایران براساس شیوه معیشت و فعالیت مردمان و فرهنگ آن دو گونه بود: ۱- روستایی ۲- شهری. اقتصاد روستایی براساس کشاورزی، دامداری، شکار و ماهیگیری استوار است. در دسته‌بندی طبقه اجتماعی ایران کشاورزان پایین‌ترین گروه در هرم قدرت بودند. آنان در تحولات سیاسی و اقتصادی از جمله جنبش مشروطیت تاثیری نداشتند بلکه از این جنبش تاثیر پذیرفتند که پرداختن به آن، موضوع این پژوهش نیست.

ساختار جامعه شهری ایران پس از اسلام و اصلی‌ترین ارکان تشکیل دهنده آن به شکل مثالی با سه ضلع ارگ، مسجد و بازار بود. ارگ حکومتی، سرآمد امور سیاسی و اداری و نظامی جامعه بود. دستگاه دینی و روحانیت با مرکزیت مسجد ناظر امور مذهبی و حقوقی و قضایی محسوب می‌شد و بازار پشوانه اقتصادی و مرکز امور تجارت و مبادلات بود.

مناسبات و روابط این سه مرکز در پیدایش هرم قدرت اجتماعی حایز اهمیت است. در روابط مسجد - ارگ، اساس قدرت علما در مقابل سلطنت، ریاست آنان بر نهاد دینی و امور مذهبی و نفوذ کامل در بین مردم بود و گاه قدرت اقتصادی برخی علماء هم چشمگیر بود. علماء در غیاب امام به عنوان حاکم اسلامی نایب او در تایید حکومت‌ها بودند. سلطنت قاجار براساس قدرت نظامی و ایلیاتی شکل گرفت و چندان به نیروی دین و مذهب وابسته نبود. اما شاهان اولیه آن بخصوص در مواقع بحرانی جنگ با روس‌ها تا سال ۱۲۴۳هـ/ق ۱۸۲۸م. سعی در همراهی با علما داشتند و علماء هم با درک تهدیدات، فتوایهای سیاسی در حمایت از شاه قاجار صادر می‌کردند (تنکابنی بی‌تا: ص ۱۲۹؛ Werner 2005:112-124). از دوره ناصری و بخصوص با اجرای اندیشه‌های قانونمدارانه میرزاتقی‌خان امیرکبیر صدراعظم وقت، روابط مسجد - ارگ به بحران گرایید و این مقدمه رهبری علماء در جنبش‌های ضد حاکمیت شد (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۱۴-۱۵).

بازار - مسجد مناسباتی دو طرفه و بی‌دغدغه داشتند. بازاریان ضمن برخورداری - از علقه‌های دینی و رفاه مالی، با حمایت مالی و برقراری ازدواج‌های خانوادگی - با علمای دین مرتبط می‌شدند. بازاریان - از جمله تجار - علیرغم نفوذ و اعتبار اجتماعی زیاد، هرگز یک قدرت درجه یک با

ویژگی‌های رهبری سیاسی نبودند و قدرت اقتصادی آنان با تهدیدات جدی مواجه بود. براین اساس با تامین نیازهای مساجد و تکایا و مدارس حمایت علماء را بدست می‌آوردند.

در دوره قاجار بازاریان دعاوی و مسایل خود را به علماء ارجاع می‌دادند و منزل علماء محل رسیدگی و حل مسایل آنان بود و علماء عهده‌دار محاکم شرع بودند. علماء همچنین امور تجار از جمله تنظیم و گواهی اسناد و مساله زکات را حل و فصل می‌کردند (حبل‌المتین ۱۳۱۸هـ.ق: ص ۳). بنابراین روابط مسجد - بازار مثبت بود جز در یک مورد که با تشکیل مجلس وکلای تجار در سال ۱۳۰۱ هـ.ق علماء با درک اینکه در صورت توفیق این مرکز، نقش محوری آنان از جمله در قضاوت از بین می‌رود دسیسه علماء از جمله مجتهد تبریز باعث انحلال آن مجلس شد (آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ۳۲۱ص). در وقایع منجر به مشروطیت همراهی و همسویی مسجد و بازار علت اصلی موفقیت گردید.

مناسبات ارگ - بازار پیچیده‌تر و یک سویه بود. خانواده قاجاریه از قرن نوزدهم میلادی بر همه امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران سلطه یافتند. بازاریان - به خصوص تجار عمده - در پایتخت و ایالات با دربار و شاهزادگان ارتباط یافتند.

بازرگانان ضمن پرداخت عوارض گمرکی و تامین اشیاء لوکس مورد نیاز دربار، برای تامین امنیت سرمایه و جان با حاکمیت مربوط بودند. آنان در برقراری دوستی با حکام ایالات، به آنان کمک مادی می‌کردند تا بتوانند ایالات را در مزایده برنده شوند تا در ایالات مورد لطف او واقع شوند (لسان‌الملک سپهر ۱۳۴۴: ۳/ ص ۲۶۸ - ۲۷۰). بازرگانان بزرگ در پایتخت هم در زمان خالی شدن خزانه ناصرالدین میرزا و مظفرالدین میرزا را در رسیدن به تخت شاهی کمک کردند (همان: ۴/ص ۱۷). تجار از این روابط در کسب امنیت مالی و امتیازات اقتصادی کوشیدند. حاج محمد حسن امین الصرب به خاطر قدرت مالی خود و ارتباط با ناصرالدین شاه ریاست ضرابخانه و امور سکه بازارهای ایران را به عهده گرفت.

شاه شخصا دستور حل مسایل او را به زیردستان می‌داد. اما ماهیت استبدادی و غیرقانونی قاجارها همواره تهدید بزرگی برای تجار بود. بازرگان برای تامین امنیت اموال خود در مقابل مصادره تمام

دارایی منقول و سرمایه‌شان را به املاک و اراضی کشاورزی و تجملات خانه تبدیل کردند و شکل گیری گروهی با عنوان تاجر - مالک در این دوران از نتایج ناامنی بود. با این همه ناامنی و مصادره امین الضرب را هم قربانی کرد (فلور ۱۳۵۲: ص ۱۵۹-۱۶۳).

حاکمیت برای اعمال سلطه بر بازار "رئیس التجار" منصوب می‌کرد. این مقام از دوره تیموریان بوجود آمده بود (سازمان اسناد ملی، تهران، (۲۴۰۰۱۶۴۲۱، ۱۲۲ ل ۵ آآ ۱۹۰۷ م). ۱۱ برگ). علاقه شاه و شاهزادگان به امور تجاری و اختصاص یافتن مرکز اصلی بازار بنام "قیصریه" به شاه به عنوان املاک خالصه از موارد دیگر ارتباط ارگ بازار بود. این موارد باعث سلطه بیشتر ارگ‌نشینان بر بازاریان و سیاسی شدن و عدم استقلال بازار شد که عرصه را بر متصدیان اصلی بازار تنگ می‌کرد. بنابراین؛ علیرغم قدرت مالی و اعتبار اجتماعی، امنیت خود را در مقابل حرص و طمع شاهزادگان و غارت دزدان و سلطه بیگانه از دست رفته دیدند. این مساله ناامنی و مصادره در اواخر دوره ناصری با واکنش شدیدی علیه حاکمیت همراه بود؛ میرزا رضای کرمانی تاجر ورشکسته - و البته تحت تاثیر افکار سید جمال الدین اسد آبادی - ناصرالدین شاه را به عنوان علت اصلی ناامنی سرمایه و فساد هدف گلوله قرار داد و این از مشخصات بحران در روابط ارگ - بازار بود.

بازاریان به مقابله با حاکمیت ادامه دادند. آنان در مقابله با انحصارنامه رژی تنباکو در سال ۱۳۰۸ هـ. ق، با جنبش عمومی همراه شده بودند. با بدتر شدن اوضاع اقتصادی و تجاری ناشی از ستم داخلی مستبدان و سلطه استعمار خارجی از طریق اخذ امتیازات اقتصادی، بازاریان در حرکت عمومی برای بستن زنجیر قانون و عدالت برپای شاهزادگان قاجاریه در جنبش عدالت‌خواهانه نقش اساسی ایفا کردند.

۲. بدنه‌ی اصلی تحقیق

۲-۱- ویژگی‌های بازرگانان در دوره قاجار

در به کار بردن دو واژه «بازرگان» و «تاجر» در این پژوهش، تفاوت معنایی مد نظر نیست بلکه بازرگان واژه فارسی و تاجر به زبان عربی هر دو یک معنا و مفهوم دارند. در ذکر اصطلاح بازرگان،

کسانی غیر از اصناف و پیشه‌وران و فروشندگان مدّ نظر است. تاجر و بنکدار در زمرهٔ بازرگانان محسوب می‌شود. بازرگانان واقعی یعنی کسانی که به کار صادرات و واردات کالا مشغول بودند و بنکداران واسطه‌های عمده فروشی بین تجار و فروشندگان هستند (فلور ۱۳۴۴: ۱/ ص ۱۵۱-۱۵۲).

بازرگانان بزرگ و بازرگانان معمولی در ظاهر با هم یکسان بودند بلکه تفاوت این دو در سطح و شیوهٔ زندگی خصوصی و داخل خانه بود. تاجر عمده و بزرگ، عمامه‌ای از شال ترمه بر سر داشتند اما دیگران کلاه بخارایی و پیراهن پنبه‌ای مخمل می‌پوشیدند و در مراسم رسمی ردایی بر دوش می‌انداختند. از امتیازات مهم بازرگانان، معافیت آنان از مالیات و خدمت نظام بود. بازرگانان فقط عوارض گمرکی به دولت می‌دادند (عیسوی ۱۳۶۲: ص ۵۲).

بازرگانان به لحاظ علم و آگاهی از دیگر گروه‌های اجتماعی ایران - به استثنای حکام و علما - بالاتر بودند. نیاز آنان به حساب کردن امور تجاری و تنظیم سند قراردادها باعث توجه آنان به یادگیری خط سیاق بود. این علم و آگاهی را آنان در ارتباط با خارج کسب کردند و بر همین اساس به نوگرایی و پیشرفت‌خواهی توجه داشتند (فلور ۱۳۴۴: ۱/ صص ۱۵۲).

از ویژگی‌های بازرگانان در دوره قاجار عدم اتفاق درون گروهی بود. علاوه بر اختلافات قومی و زبانی و مذهبی شامل تهرانی - تبریزی و شیخی - بالاسری، بُعد مسافت در داخل ایران و صعب‌العبور بودن راهها و نبود امکانات باعث می‌شد تا بازرگانان ایران در دوره قاجار به تجارت محلی خود مشغول باشند.

بازرگانان به عنوان ثروتمندترین گروه اجتماعی دارای قدرت و منزلت اجتماعی و صاحب جایگاه در هرم قدرت جامعه بودند. در این مورد آمده است: «روز اول عید، بعد از ادای نماز صبح... حاکم عرف... «علما را» و روز دوم «عمال را» و روز سیم «تجار را» و روز چهارم «اصناف و زراع» را... بار می‌داد (ضرابی کاشانی ۱۳۴۱: ص ۱۴۲).

در دوره مظفری (۱۳۲۴-۱۳۱۳ هـ.ق) شاهد سه مساله اساسی به عنوان محرکان اصلی مردم و عوامل نارضایتی و زمینه‌های تضاد هستیم: ۱- ظلم و بی‌کفایتی دستگاه حاکمه قاجار ۲- سیاست سلطه جویانه سیاسی و اقتصادی دول روس و انگلیس ۳- رشد و ارتقای سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی

مردم. این سه عامل، جامعه ایران را به سوی تحول و جنبش عمومی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی سوق می‌داد.

در زمینه‌های امور داخلی، نامحدود بودن حوزه‌ی اختیار و عمل حاکمان باعث ستمگری و ظلم فراوان و بی‌توجهی به مسایل عمومی - از جمله به عریضه‌های بازرگانان - می‌شد (کرزن ۱۳۶۷: ۱/ص ۳۹۱). مصادره‌ی اموال و ناامنی راهها به خاطر حضور دزدها علیرغم اخاذی‌های فراوان حکومت از بازرگانان، این گروه اجتماعی را به واکنش‌های منفی برای تامین امنیت خود وادار می‌کرد (مراغه‌ای ۱۳۹۳: ۱/ص ۱۸۸)؛ اقدام آنان در پرداختن به تجارت محدود و بومی برای نپرداختن عوارض شهری در دروازه‌ها و روی آوردن فراوان به خرید املاک کشاورزی و وسایل تجملی خانه در جهت حفظ سرمایه بود (حاج سیاح محلاتی ۱۳۴۶: ص ۳۴۰).

اما، همچنان ناامنی سرمایه بازرگانان از مشخصاتی بود که با سلطنت قاجارها در ایران تشدید شد و این امر عامل اصلی عدم تداوم شجره‌ی خانوادگی بازرگانان در طول نسل‌ها بود که به عنوان سرچشمه‌ی اصلی و داخلی عدم رشد تجارت ایران حایز اهمیت است (آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ص ۳۰۹).

وضعیت سیاسی و تجاری تحمیل شده بر ایران در قرن نوزدهم میلادی یک «شبیخون بین‌المللی» بود (کرزن ۱۳۶۷: ص ۲۶۳). تجارت آزاد جهانی و تعرفه‌های اندک برای خارجی‌ها باعث نابودی صنعت داخلی شد. در کاشان از دوازده هزار کارگاه صنعتی، در دهه‌های آخر قرن نوزدهم میلادی تنها هشت کارگاه باقی ماند (ضرابی کاشانی ۱۳۴۱: ص ۱۵۱). دولت ایران با انعقاد این قراردادهای بازرگانان داخلی را تضعیف کرد. بازرگان خارجی مال‌التجاره خود را با پنج درصد عوارض گمرکی وارد می‌کرد اما تاجر ایرانی هشت درصد عوارض علاوه بر افزون‌خواهی‌های غیرقانونی می‌داد و این شرایط نابرابر آنان را در رقابت با خارجی ناتوان و ورشکست کرد (دستره ۱۳۶۳: ص ۱۷۵-۱۹۰؛ سازمان اسناد ملی، ۲۴۰۰۲۶۱۸، ۲۴۰۲، ۴ الف الف ۱، ۲۴-۱۳۲۳ هـ.ق)، ۱۶ برگ). تداوم این شرایط ویرانگر در ایران اعتراضات فراوان و نارضایتی گروههای اجتماعی را از حاکمیت در پی داشت. در این اوضاع، تنها بازرگانانی می‌توانستند ادامه حیات و فعالیت تجاری داشته باشند که

پرچم یکی از دو کشور را در بالای خانه خود علم می‌کردند و این روند تا مشروطیت ادامه داشت (حاج سیاح محلاتی ۱۳۴۶: ص ۵۳۰-۵۳۱).

این نفوذ و سلطه خارجی بر همه امور سیاسی و اقتصادی ایران، از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی به بحران شدید روابط حاکمیت قاجار و جامعه ایران - از جمله بازرگانان - شد. تا به این زمان، بازرگانان به خاطر ناتوانی در رقابت تجاری به تاجر خارجی به شکل واسطه و دلال آنان کار می‌کردند. این امر باعث ثروتمند شدن بازرگانان متفرق و ناهماهنگ ایرانی شد. اما در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی تهدید بازارهای شهری و قشر بازرگانان با سلطه خارجی، بتدریج باعث یکپارچگی بازرگانان در مقابل تهدیدات استبداد داخلی و استعمار خارجی گردید (ملک‌زاده ۱۳۷۱: ۱/ص ۱۷۳). بازرگانان با درک و خودآگاهی درونی از مسایل صنفی خود و همکاری و همراهی در امر سیاست با مفهوم بورژوازی اروپا نزدیک شدند. بورژوازی در اروپا به طبقه‌ای از مردم اطلاق می‌شد که دارای ویژگی‌های ایدئولوژیک و فکری بودند و تنها یک صنف اقتصادی نبودند بلکه اشتراکات ایدئولوژیک، فرهنگی و سیاسی هم داشتند. این گروه با رشد تجارت اروپا مظهر ترقی و عقلانیت شدند. در ایران هم از اواسط قرن نوزدهم میلادی و هرچه به جریان مشروطه‌خواهی نزدیک می‌شویم، سلطه خارجی و ظلم داخلی باعث اشتراک بازرگانان در همه مسایل ملی شد.

بازرگانان ایران با ورشکست شدن به استانبول قاهره، دمشق، بمبئی و مناطق جنوب روسیه از جمله قفقاز مهاجرت کردند. در آنجا ضمن پرداختن به تجارت، نقش مهمی در انتقال اندیشه و آماده کردن زمینه‌های تحول‌خواهی از جمله حمایت مادی از روزنامه‌ها ایفا کردند. بازرگانان عمده داخل ایران هم برای نوین‌سازی کارخانه‌ها و کارگاههای صنعتی و ایجاد راه آهن تلاش کردند (مه‌دوی ۱۳۷۹: ص ۱۹۰-۱۹۳).

۲-۲- یافته‌ها

۲-۲-۱- نقش بازرگانان در تحولات سیاسی- اجتماعی ایران عصر قاجار

حرکت گروههای اجتماعی ایران به سوی تحول‌خواهی زاینده و برآورد دو دسته عوامل تحول فکری و مسایل اقتصادی بود. بازرگانان ایران با آگاهی از تهدیدات خارجی و بی‌توجهی حاکمیت

داخلی، از دهه آخر دوره ناصری برای مقابله با عوامل رکود تجارت ملی اقدام کردند. این اقدامات شامل واکنش سیاسی و واکنش تجاری علیه معضلات بود.

۲-۲-۱-۱- تشکیل مجلس وکلای تجار ۱۳۰۱هـ.ق:

از مدتها پیش، بازرگانان در عریضه‌های خود خواستار حذف سلطه خارجی‌ها بر گمرک و تجارت داخلی، کوتاه شدن دست وزراء و جلوگیری از ظلم حکام بودند اما این خواسته‌های آنان برآورده نمی‌شد. لذا آنان متفق و هم‌رأی با انتخاب ده نفر از روساء و ریش سفیدان خود درصدد تشکیل مجلس برای حل امور خود برآمدند. آنان طرح مجلس تجار را از طریق حاج محمدحسن امین‌الضرب به شاه دادند. ناصرالدین شاه سرانجام با عزل وزیر تجارت نصیرالدوله به تشکیل مجلس وکلای تجار در شوال ۱۳۰۱هـ.ق فرمان داد. شاه نوشت: «ما طالب ترقی امور تجارت و تجار هستیم و طالب اعتبار تجار و طالب ترقی و آسودگی تجار و طالب نظم کار تجارت و وصول مطالبات تجار و اینکه احدی نتواند کلاه آنان را بردارد یا مالشان را بخورد...» (آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ص ۳۱۰-۳۱۲).

بازرگانان به عهده گرفتن امور اداره تجارت بدست خود را تنها راه حل نجات دیده بودند. آنان در پاسخ به دستخط شاه نوشتند: «... قلب بیضاء اعلیحضرت... گویا از حالات این بندگان... اطلاع کامل داشته‌اند. برای این بندگان دیگر چیزی نمانده است... هرکس رئیس بشود غیر از اینکه می‌خواهد فایده برای خود تحصیل نماید کاری به این بندگان ندارد...» (همان: ۳۱۷-۳۱۹) آنان همچنین در عریضه خود به شاه وزیر تجارتی را خواستند که همراه آنان باشد و لذا با عزل نصیرالدوله، علیقلی‌خان مخبرالدوله وزیر تجارت شد.

تشکیل مجلس وکلای تجار در ایالات دیگر ایران برای حل مسایل اقتصادی و سیاسی و قضایی بازرگانان بود. مسئولیت آن رسیدگی به دعاوی حقوقی، نظارت بر امور حق و باطل و تنظیم و ترقی امور تجارت بود. امین‌الضرب هدف از تاسیس آن را «رونق و ترقی ملت» برشمرد.

در بررسی اصول و اساسنامه مجلس وکلای تجار، رشد فکری و ترقیخواهی بازرگانان محرز می‌شود. اساسنامه در شش فصل بود. ماهیت پنج فصل اول آن بر تقویت تجارت ملی از طریق تشکیل بانک و ایجاد صنایع و صادرات بیشتر و ترغیب مردم به استعمال مصنوعات داخلی تاکید داشت. در مورد تشکیل بانک مردمی و اهمیت آن اندیشه‌های امین‌الضرب از قبل مطرح بود. او در سال ۱۲۹۵ هـ.ق چنین طرحی به شاه داد اما عملاً از آن حمایت نشد (معتضد ۱۳۶۶: ص ۴۷۲-۴۷۳).

در فصل ششم اساسنامه رسیدگی به امور قضایی بازرگانان و حمایت صنفی و اتحاد بین تجار مطرح شد. این کتابچه اوضاع منحل اقتصادی و فقر و پریشانی را ناشی از فساد سیستم اداری، خشونت و ظلم قدرت‌های محلی از جمله حکام بر بازرگانان می‌داند و اهداف مجلس را در تامین امنیت سرمایه و مالکیت و مقابله با مصادره و جلوگیری از جعل اسناد املاک برشمرده است (آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ص ۳۳۲-۳۳۵).

حکام ایالات و علماء مخالفان اصلی و عامل سقوط مجلس وکلای تجار شدند؛ حکام چنین اقداماتی از سوی تجار را تلاش برای مقابله با ستم و زورگویی و بیقانونی می‌دانند حال آنکه آنان تجار را «اسیر خود» و مرجع مداخل می‌شمردند. علماء هم که ریاست محاکم شرع را به عهده داشتند و امور قضایی تجار را حل و فصل کرده، از این طریق اعمال نفوذ می‌کردند مخالف اصول اساسنامه مجلس وکلا در مورد حل مسایل قضایی بودند بنابراین اولین و جدی‌ترین حملات به مجلس وکلای تجار از سوی مجتهد تبریز روی داد و این باعث انحلال مجلس شد.

اهمیت اقدام تجار در تشکیل مجلس برای حل مسایل خود اینکه آنان ضمن آگاهی و علم درون گروهی به مسایل خود متحدانه برای رفع مسایل گروه خود کوشیدند. این مجلس تجربه مفیدی برای آنان بود تا بعدها در نهضت عدالتخواهی و ظلم ستیزی و مقابله با بیگانه حضور یابند. مجلس تجار در واقع یک مجلس اقتصادی با عملکردی سیاسی بود که پیش از مشروطیت با ابتکار و تلاش بازرگانان تشکیل شد. اهمیت تاریخی آن هم این بود که بازرگانان معترض علیه وضع موجود خود در ایجاد تغییر و ترقی کوشیدند.

از مبانی دیگر تعارضات بازرگانان با حاکمیت سیاسی قاجارها، اقدام به اعطای امتیازات انحصاری به بیگانگان بود. در بررسی مقدمات نهضت مشروطه‌خواهی بازرگانان، جنبش تنباکو مهمترین مرحله حضور عمومی گروهها و اعلام اعتراض آشکار علیه تصمیمات زیانبار حاکمیت بود.

ناصرالدین شاه در سفر سوم خود به فرنگ (foreign)، امتیاز فروش تنباکوی ایران را در ازای اخذ رشوه و مساعدت مالی به ماژور جرالده تالبوت (Major Jeralad Talbot) تبعه انگلیس واگذا کرد. براساس ماده دوم این انحصارنامه، فروشندگان تنباکوی ایران برای تجارت تنباکو در داخل باید از صاحبان امتیاز مجوز دریافت می‌کردند. در ماده هفت دولت ایران عدم افزایش عوارض، مالیات و حقوق گمرکی تنباکو و توتون را در تمام دوره پنجاه ساله اجرای قرارداد تضمین کرده بود. براساس ماده دهم قرارداد، مالک یا تولیدکننده تنباکو با برداشت محصول توتون و تنباکو خود باید به نزدیکترین نماینده صاحب امتیاز میزان محصول را گزارش دهد (براون ۱۳۳۸: ص ۳۵-۳۶).

گروههای اجتماعی ایران - از جمله بازرگانان - در آغاز از تبعات چنین انحصارنامه‌ای اطلاع و آگاهی نداشتند. حاج محمدحسن خان امین‌الضرب وعده خرید تعداد زیادی از سهام شرکت انگلیسی در کار تنباکو را داد. واقعیت این که همکاری نزدیک دو گروه روشنفکر و بازرگانان باعث جنبش ضد استعماری تنباکو گردید. تلاش‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی در آگاهی دادن به علماء و تجار و تحریک مردم به تبعید او انجامید، از موارد این همکاری است. میرزا آقاخان کرمانی هم در روزنامه اختر در مقاله‌ای انحصارنامه رژی را باعث بسته شدن دست بازرگانان و محدودیت بیشتر فعالیت تجاری آنان دانست. او همچنین از مبلغ بسیار پایین قرارداد رژی با ایران شدیداً انتقاد کرد و آنرا حتی در حد انحصارنامه رژی در عثمانی نداشت و معتقد بود علاوه بر مبلغ قرارداد، شرکت رژی در عثمانی به تجار آن مملکت اجازه تجارت خارجی و صادرات تنباکو داده است اما بازرگانان ایران از حق خود محروم شده‌اند (روزنامه اختر ۱۳۰۸هـ.ق: ص ۳-۱).

بازرگانان ایران پس از درک ابعاد زیانبار انحصارنامه رژی، پیش از آنکه قضیه تحریم تنباکو عنوان شود، به اعتراض برخاستند. حاجی محمد رحیم اصفهانی مواد قرارداد را به لحاظ سیاسی و اقتصادی نادرست شمرد و خواستار لغو آن شد، او استبداد و فساد هیئت حاکمه را عامل عقد چنین قراردادی

دانست. او نوشت: «این اسبابی که فراهم آمده است [علت] عمده این است که دیوان در فکر رهیت نیست. هر که هرچه توانسته است به هر که کرد و از پیش برد، کسی سوال و جواب نمی‌کند... همینقدر است که به دیوان پول بدهند...». سپس سیاست ویرانگر انگلیسی‌ها را در مورد ایران مطرح کرد که هدف باطنی آنان این است که «رگ و ریشه در ایران کرده، رعیت را مقروض خودشان نموده، مثل هندوستان یکمرتبه گرفته باشند...». او اجرای قرارداد را باعث بیکاری مردم و روی آوردن آنان به دزدی یا فعلگی بیگانه دانست و سپس از امین‌الضرب درخواست کرد که در لغو قرارداد تلاش کند (آدمیت ۱۳۵۵: ص ۳۷).

در عریضه‌هایی بازرگانان، افکار مترقی و جدیدی به عنوان درخواست از حاکمیت ارایه نشده است. در عریضه‌ای آمده است: «...مطیع ظالم نشوید تا شما را گوسفند ندانند...» (حاج سیاح محلاتی ۱۳۴۶: ص ۳۶۶). در واقع این عریضه‌ها تنها به مساله تنباکو تاکید نمی‌کرد؛ بلکه خواستار تغییر اساسی در سیاست‌های اتخاذی حاکمیت بود. این مسایل و موضوعات را عناصر مترقی از جمله بازرگانان مطرح کردند و علماء در آن دخالتی نداشتند. بازرگانان ایرانی مقیم اسلامبول در تقاضایی از میرزای شیرازی از او خواستند که به اصلاح کار ایران توجه کامل بفرمایند و امور را تا نقطه آخر اصلاح کنند این افکار مطرح شده از سوی بازرگانان آرزوها و اهداف بزرگتر آنان را مطرح کرده است.

بازرگانان ایران در مقابله با سلطه بیگانه و تلاش برای لغو انحصارنامه رژی اقدامات گوناگونی انجام دادند. حاج محمد حسن امین‌الضرب و حاج آقا محمد صدر ملک‌التجار اصفهانی به طور مشترک «شرکت عمومی تجارتی ایران» برای ترویج تنباکو و توتون سراسر کشور تشکیل دادند (ناطق ۱۳۷۳: ص ۲۶۳-۲۶۴). بازرگانان تحریم و عدم کشت تنباکو را از زارعین خواستند و بازرگانانی که شغل تجاری‌شان، تنباکو فروشی بود، دست از کار کشیدند و غلیان‌ها را شکستند. تجار اصفهان درباره اجرای چنین قراردادی به آقاجفی اصفهانی روحانی پرنفوذ و ظل‌السلطان حاکم اصفهان هشدار دادند. در مشهد و تبریز به بست نشستن و شورش علیه سلطه خارجی پرداختند. ملک‌التجار عده‌ای از بازرگانان را به شعب بانک در سرای امیر وعده‌ای دیگر را با مبالغ زیادی از اسکناس به بانک مرکزی در میدان توپخانه برد (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۰: ص ۷۶۷). تمام این طلبکاران برای اعمال

فشار بر فعالیت بانک خارجی تقاضا کردند که فوراً اسکناس‌های آنان به پول نقره تبدیل شود. حال آنکه نه بانک توانایی آن را داشت که همه پول نقره مورد مطالعه آنان را بدهد و نه کارکنان بانک امکان شمردن و تحویل پول را به این «مدعیان وقیح» داشتند (کاساکوفسکی ۱۴۰۱: ص ۲۱۵). در ادامه جنبش علیه بیگانه، تصویر اینکه ملک‌التجار حکم فتوای میرزای شیرازی در تحریم تنباکو را جعل کرده، بین مردم پخش کرده باشد، خود حکایت از تلاش فراوان بازرگانان دارد. حاج محمدحسن امین‌الضرب که مامور بستن بازارها برای اعمال فشار بیشتر علیه حامیان قرارداد بود، بعدها به خاطر ایفای نقش محوری در حمایت از جنبش مدتی به قزوین تبعید گردید (لمبتون ۱۳۷۵: ص ۳۲۲).

بازرگانان ایران - به همراهی سایر گروه‌های اجتماعی - توانستند اولین موفقیت خود را در تحدید اقدامات هیئت حاکم و سلطه‌طلبی خارجی بدست آورند. اما ضعف حاکمیت قاجار و فساد اداری باعث شد که دول روس و انگلیس ضمن اخذ امتیازات مشابه، شرایط سنگینی را بر بازرگانان ایران تحمیل کنند. این موضوع به نفرت بیشتر بازرگانان از خارجی‌ها و افزایش تضاد آنان با حاکمیت مستبد خود شد که این تعارضات در جنبش مشروطیت باعث ایفای نقش علیه استبداد و استعمار شد.

۲-۲-۱-۳- تشکیل کارخانه‌ها و شرکت‌های تجاری و صدور فرمان مشروطیت

چنین اقداماتی از سوی بازرگانان ایران از اواخر قرن نوزدهم میرادی (۱۸۸۰م به بعد)، به منظور سرمایه‌گذاری در صنایع، مبادلات تجاری، احداث راهها، ارائه خدمات صرافی و بانکی به تشکیل شرکت‌های زیادی انجامید. بازرگانان این تلاش‌ها را برای خارج کردن شیوه‌های تجارت از شکل سنتی و فردی و تبدیل آن به کار گروهی و با سرمایه بیشتر دنبال کردند.

از مهمترین شرکت‌های تجاری اسلامیه‌ها و شرکت مسعودیه و انجمن‌های ترقی و انجمن اسلامی در اصفهان بود که در سال ۱۳۱۶هـ.ق به وسیله طبقات علماء و تجار تشکیل شدند (حسینی فسایی ۱۳۶۱: ۲/ص ۶۰). موسسین آنها با انتشار سهام آنها در ایجاد همراهی عمومی برای افزایش سرمایه به منظور توسعه فعالیت‌ها کوشیدند. این شرکت‌ها در نظامنامه خود اهداف را برشمردند: منع داد و

سند هر کالای خارجی و رونق دادن کالای داخلی، کشیدن راههای شوسه و راه آهن، مقابله با احتکار و نجات مردم از نگرانی و تدارک و تهیه لباس اهالی وطن از اهداف آنان بود (روزنامه ثریا ۱۳۱۷ هـ.ق: ص ۱۶-۱۲).

تشکیل چنین شرکت‌هایی که ارتقای تجارت ملی را هدف خود قرار داده بودند، با ترغیب و تشویق روشنفکران از جمله عبدالرحیم طالبوف و حاج زین‌العابدین مراغه ای همراه بود. آنان براساس فهم و آگاهی خود در اهمیت این گونه کارهای اقتصادی که در دنیای خارج با آنها آشنا شده بودند، در نوشته‌های خود نمونه‌های شگفت‌آور و اغراق‌آمیزی از پیشرفت کشور ژاپن بخاطر پیگیری چنین طرح‌هایی ارایه کردند (جمال‌زاده ۱۳۶۲: ص ۹۸؛ اشرف ۱۳۵۹: ص ۵۷).

طبعاً موفقیت چنین طرح‌های اقتصادی زمینه‌های مساعد و حمایت‌ها را می‌طلبید و در نبود آنها بی‌نتیجه ماند. توسعه وابسته اقتصادی ایران عصر قاجار از موانع رشد و رونق شرکت‌ها و کارخانه‌ها بود (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ۱/ ص ۱۰۵). گسترش روابط تجاری و نفوذ بیگانه بر بازارهای داخلی و تعرفه کم واردات آنان باعث تعطیلی کارخانه‌ها از جمله کارخانه قند کهریزک و کبریت‌سازی و... شد. این فضای رقابت نابرابر، تنها آن دسته از کارخانه‌های فعال در آماده کردن مواد خام می‌توانستند به حیات خود ادامه دهند مثل کارخانه پنبه پاک‌کنی و شرکت‌هایی که در صدور مواد خام برای کسب سرمایه می‌کوشیدند از جمله شرکت صادرات تریاک، پنبه و ابریشم. از سوی دیگر بی‌علمی و بی‌سوادی موسسن و کارکنان باعث شد زمینه‌ها فراهم نباشد و به ناکامی طرح‌ها انجامید (حبل‌المتین ۱۳۱۸ هـ.ق: ص ۳-۲).

عوامل دیگر شکست تلاش‌های ترقی‌خواهانه تجار در تشکیل شرکت‌های تجاری در ایران، حضور شرکت‌های تجاری خارجی با سرمایه بیشتر و بی‌توجهی حکومت مرکزی در حمایت از آنان بود. ناامنی و بی‌قانونی در ایران و کارشکنی حکام و مامورین باعث ناکامی بازرگانان شد؛ حکام ایالات با اجرای قانون امنیت‌گیری، تجار را از حداقل وسایل حمل و نقل ابتدایی محروم می‌کردند و مال‌التجاره آنان برای انتقال مدت‌ها روی زمین می‌ماند (مراغه‌ای ۱۳۹۳: ص ۱۴۳). این مسایل باعث شد از کاغذ قرآن تا چلووار کفن اموات محتاج خارجه شوند و میرزا سعیدخان موتمن الملک وزیر خارجه در کتابچه‌ای، عدم حمایت دولت را منجر به عقب‌ماندگی صنعت ایران و رکود تجارت

می‌داند (آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ص ۱۲۳-۱۲۴؛ روزنامه ثریا، ۱۳۲۳هـ.ق: ص ۱۳ و ۱۴؛ روزنامه ثریا، ۱۳۲۳ هـ.ق: ص ۵ و ۴؛ سازمان اسناد ملی، (۲۴۰۰۵۸۲۴، ۷۰۵ خ ۱۲۳۲، ۱۳۲۱هـ.ق)، ۵ برگ سند).

زمینه‌های تحول‌خواهی و آگاهی گروه‌های اجتماعی در ایران از اواسط دوره ناصری فراهم شد اما حرکت به سوی جنبش اجتماعی برای حل مسایل انباشت شده متعدد از سال ۱۳۲۳هـ.ق و با اولین تحصن بازرگانان آغاز شد. مهمترین مبانی نارضایتی عمومی گروه‌های شهری از مسایل تاریخی بازرگانان سرچشمه می‌گرفت که به عنوان تقاضاهای ملی مطرح بود.

از مهمترین علل زیان بازرگانان ایران مساله گمرکات بود. علاقه مظفرالدین شاه به سفر فرنگ و خالی شدن خزانه باعث استقراض‌های متعدد او از روس‌ها در سالهای ۱۳۱۷هـ.ق، ۱۳۲۱هـ.ق و ۱۳۲۳هـ.ق شد. روسیه در ازای این قرضه‌ها به شاه، عواید گمرکات شمال را به عنوان گرو گرفت. وخیم شدن اوضاع گمرکی با اعمال سیاست روس‌ها باعث شد تا دولت ایران برای اصلاح امور گمرکات به استخدام مستشاران بلژیکی جوزف نوز (Joseph Naus)، پریم (Perim) و انگلس (Engless) اقدام کند اما سلطه روس‌ها باعث پیروی این مستخدمان از سیاست روس‌ها شد که آنان را «شغالهای روسیه» کرد و این به بدتر شدن اوضاع برای بازرگانان ایران با تحمیل تعرفه‌های جدید و سنگین و جانبداری از تجار خارجی منجر شد (براون ۱۳۳۸: ص ۱۹۳؛ کاظم‌زاده ۱۳۷۱: ص ۳۹۱-۴۰۹). این وضعیت حاکم بر گمرک باعث عریضه‌های فراوان بازرگانان به صدراعظم عین‌الدوله شد اما او خود با اخذ مواجب از اداره گمرکات و همراهی با روس‌ها هیچ اقدامی برای کم کردن اعتراض تجار انجام نداد (معاصر ۱۳۴۷: ص ۹). روزنامه حبل‌المتین در مقالات خود ضمن ذکر استخدام بلژیکی‌ها برای تربیت علمی جوانان به ظلم‌های اعمالی در اخذ عوارض برخلاف کتابچه دولتی پرداخت و درخواست بازرگانان از اداره گمرکات برای رعایت مساوات در اخذ عوارض را مطرح کرد (حبل‌المتین ۱۳۲۳هـ.ق: ص ۲۱).

تجار اجحافات فراوان ماموران گمرکی تحت امر مسیونوز را در مرزها «خلاف قانون» شمردند اما عین‌الدوله به ملاحظه پولی که از نوز می‌گرفت جواب عریضه‌های آنان را نمی‌داد و در جواب آخرین عرضه تجار که سعدالدوله وزیر تجارت به او داد گفت: «این لوطی بازیها چیست که تجار

می‌کنند؟ تمامشان را دهنه توپ می‌گذارم» (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۲۹۳). اصرار سعدالدوله به عنوان وزیر تجارت که به حل مسایل تجار می‌کوشید، باعث شد عین‌الدوله به ناچار با درخواست او مبنی بر تشکیل جلسه‌ای در دربار با حضور تجار و مسیونوز موافقت کند.

مجلس در دربار از هفت تاجر نوز، سعدالدوله و عین‌الدوله و برخی رجال دربار تشکیل شد. تجار در این جلسه با تطبیق میزان حق گمرکی تعیین شده در کتابچه قانون و مبلغ عوارض اخذ شده در جاهای مختلف، ظلم و زیاده‌ستانی ماموران گمرک به خود را اثبات کردند که چندین برابر مبلغ تعیین شده عوارض می‌دادند و گاه از هفت هزار به هفت تومان رسیده بود.

حقانیت اعتراض تجار اثبات شد اما مسیونوز به جای پاسخگویی و یا اقدام برای اصلاح و جلوگیری از ظلم، در بین همه مسئولان با اهانت به تجار آنان را «پدرسوخته» خواند و مجلس به این ترتیب ختم شد و تجار به ادامه اعتراض مُصرتر شدند.

تلاش‌های سعدالدوله در وساطت بین تجار معترض و عین‌الدوله نتیجه‌ای نداد و تجار به منظور فشار بیشتر جهت احقاق حق خود در سه شنبه ۱۹ صفر ۱۳۲۳ هـ ق در زاویه حرم شاه عبدالعظیم متحصن شدند. این تحصن اولین اقدام جدی و هماهنگ بازرگانان علیه ستم‌های گمرکی بود.

این اقدام بازرگانان همزمان با سومین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ بود. در این تحصن آگاه‌ترین تجار که با درک اهداف به برقراری ارتباط با علما پرداختند محمداسماعیل مغازه‌ای و حاجی علی شالفروش بودند و سایرین فهم چندانی از امور نداشتند. بازرگانان ضمن ارسال عریضه‌ای به شاه از تعدی و بیدادگری‌های نظام به خاطر اعطای اختیارات نامحدود به او شکایت کردند و رسیدگی به تظلمات خود را درخواست کردند. آنان همچنین تهدید کردند که در صورت عدم رسیدگی، از کار تجارت واردات کالاهای مورد نیاز مردم دست می‌کشند و به تحصن ادامه می‌دهند. بازرگانان برای رهایی از ظلم بلژیکی‌ها، به شاه پیشنهاد دادند تا گمرک را با اخذ مبلغ اجاره بیشتری به آنان بدهد و گفتند: «خودمان گمرک را قبول داریم به علاوه یک کرور تومان از آن که نوز می‌دهد اضافه می‌دهیم» (همان: ص ۲۹۳).

بازرگانان امید به اقدام اصلاح‌گرانه و حمایت شاه از منافع خود بودند اما شاه، خود از مسیو نوز حمایت می‌کند و در آغاز حرکت به سفر سوم سفارشات زیادی از نوز کرد و در واقع جو اجتماعی را علیه نوز درک کرده و در این ماجراها «حامی نوز» بود. عدم توجه شاه به خواسته بازرگانان باعث شد که آنان در دوره تحسن ضمن گفتگو با سعدالدوله به اظهار نظر شدیدی اقدام کنند. آنان گفتند: «... البته پادشاهی که یک مملکت را به نوز یهودی می‌فروشد ما هم اطاعت نداریم مگر او را بردارد...» (سپهر ۱۳۶۸: ص ۱۴۲).

با به طول انجامیدن تحسن تجار معترض، عین‌الدوله صدراعظم برای حل مسایل و بازگشت آنان نزد آنان رفت و از آنان خواست که هر مسئله‌ای که دارند بگویند تا اصلاح شود «مگر عزل نوز وزیر گمرک» اما بازرگانان بر عزل نوز پافشاری می‌کنند. صدراعظم با عصبانیت به آنان فحش داد و گفت: «... کرباس فروشان کارشان به جایی رسیده که مدعی دولت بشوند». یکی از تجار فحش را به او برگرداند و گفت: «اگر ما نباشیم شاه از کجا گذران می‌کند. این تحسن پس از مدتی با وساطت محمدعلی میرزا ولیعهد و قول مساعد او در حل مسایل بازرگانان - پس از مراجعت شاه از سفر فرنگ - پایان یافت.

اولین تحسن بازرگانان نتایج مهمی به دنبال داشت: اول اینکه با شروع تحسن در پایتخت، تجار در ایالات به منظور همراهی برای حل مسایل صنفی خود متحسن شدند و در عریضه‌های خود، ویرانی تجارت داخلی را ناشی از سلطه نوز بلژیکی دانستند و در اعتراضات خود وظایف دولت از جمله تامین امنیت مال‌التجاره و سرمایه را در ازای اخذ مواجب از تجار گوشزد کردند. آنان خواستار مشخص کردن محل مصارف «این همه عوارض ماخوذه» شدند (روزنامه پرورش ۱۳۱۸: ص ۱۳-۷؛ وقایع اتفاقیه ۱۳۶۲: ص ۲۷۵-۲۷۳). تحسن از سوی تجار مایه امیدواری و توجه بیشتر گروه‌های روشنفکران و مراکزی همچون انجمن مخفی به آنان شد. در مذاکرات انجمن مخفی پس از بازگشت تجار بحث شد که پس از به چاه افتادن تجار با ریسمان پوسیده ولیعهد، «این امید ما هم قطع شد». انجمن همچنین در جلسات خود هدف اصلی اعضا این دانست که با «آگاهاندن تجار» آنان را در انجام مقاصد همراه کنند و در اجرای آن هدف برقراری روابط بین ناظم‌الاسلام کرمانی و میرزا

محمود اصفهانی سرفصل روابط تجار با انجمن مخفی و همکاری‌های آینده می‌شود (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۲۹۴-۲۹۵).

خروج بازرگانان از تحصن و بازگشت آنان به شهر به هیچ یک از مسایل آنان خاتمه نداد بلکه به مرور زمان اوضاع مربوط به تجارت و گمرکات بدتر شد و وعده ولیعهد عملی نگردید. در این مدت وقایع دیگری رخ داد که به انفجار باروت مسایل انباشت شده منجر شد؛ اقدامات سرکوبگرانه محمدعلی میرزا ولیعهد در تبریز، اقدام حاکم کرمان ظفرالسلطنه در فلک کردن حاجی میرزا محمدرضا رهبر مذهبی، احجافات شعاع السلطنه حاکم فارس، تخریب مدرسه مذهبی برای واگذاری زمین آن به بانک استقراضی و پخش عکس مسیو نوز در لباس آخوندی در مجلس رقص بالمسکه از مواردی بود که بحران روابط گروههای اجتماعی بخصوص تجار و علما را با حاکمیت تشدید کرد.

ظلم و ستم عین‌الدوله و ایادی او ادامه داشت. او که ابتدا در اصلاح مالیه می‌کوشید با کسب قدرت، هدفی جز جمع‌آوری مال و ثروت نداشت. در دوره حاکمیت او هیچ کس صاحب اموال خود نبود و اطمینان از جان و سرمایه را تهدید می‌کرد. «او متمولین را احضار می‌کرد و به زور و اجبار از آنان پول می‌گرفت» (بشیری ۱۳۶۳: ۱/ص ۴). علاءالدوله حاکم تهران هم به تحریک صدراعظم، تجار قندفروش را به دارالحکومه احضار کرد و به بهانه گران فروختن قند تاجری معتبر و ریش سفیدی همچون سیدهاشم قندی را به چوب بست. هدف صدراعظم از این اقدام انتقام گرفتن از تجار به خاطر نپذیرفتن وساطت او در دوره تحصن بود. همچنین او با این اقدام درصد برآمد تا مانع اجرای قرارداد دلال‌های بازار بانک روس شود که بدون رسیدن سودی به جیب صدراعظم برای واردات قند و شکر قرارداد بسته بودند (دولت‌آبادی بی تا: ۲/ص ۱۰-۱۵؛ کسروی ۱۳۵۱: ص ۵۸).

تا آن زمان چنین وضعی معمول نبود که تجار را به فلک ببندند بلکه حکام پول می‌گرفتند و «به کار گرانفروشان مساعدت می‌کردند» (حاج سیاح محلاتی ۱۳۴۶: ص ۵۵۴). این اقدام هتک حرمت بزرگی بود و تجار برای احقاق حقوق به علمای مردمی - دشمنان حکومت - متوسل شدند. بازرگانان

علیرغم برخورداری از اعتبار و نفوذ اجتماعی براساس وابستگی بازارچه به ارگ نمی‌توانستند مستقیماً رهبری جنبش را به عهده گیرند.

بازرگانان آغازگر حرکت به سوی مشروطه‌خواهی بودند و در این راه از حمایت علماء برخوردار شدند. تهدید آنان پس از کسب خودآگاهی طبقاتی علیه سلطه خارجی و استبداد داخلی جدی بود؛ در استانبول از مسیو نوز «وضعیت ایران و ایرانی» را سوال کرده بودند و او جواب داد: «اگر چه از تمام صنوف کمال تا امیدی و یاس هست ولی دور نیست صنف تجار بواسطه کثرت اختلاط و امتزاج با ملل سایر روزی به جنبش و غیرت آیند و پیشاهنگ سعادت ملت و دولت خویش شوند» (روزنامه حبل‌المتین ۱۳۲۴هـ ق: ص ۲).

پیش‌بینی مسیونوز در پیشگام شدن بازرگانان ایران برای جنبش درست بود. آنان این بار در اعتراض خود مُصرّتر از همیشه به مسجد نزد سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی رفتند. سخنرانی‌های شدید علیه سلطه خارجی و بی‌قانونی حکام باعث شد تا در چهارشنبه ۱۵ شوال ۱۳۲۳ هـ ق واقعه مسجد شاه با حمله مامورین به دستور امام جمعه - حامی عین‌الدوله - روی دهد و در روز پنج‌شنبه ۱۶ شوال مهاجرت به زاویه حضرت شاه عبدالعظیم آغاز شد.

در ادامه بحران روابط تجار و دولت و بسته ماندن بازارها، خواسته‌های بازرگانان ترقی کرد و آنان از این پس تنها تقاضاهای صنفی را مطرح نمی‌کردند بلکه با همراه شدن و همکاری علما به سوی یک جنبش سیاسی گام برداشتند (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ۱/ ص ۲۸).

بازرگانان قادر به همراهی با علما در مهاجرت به حرم شاه عبدالعظیم نبودند. قضای ناامنی و مصادره اموال از سوی حکومت و دستور به باز کردن بازار و دکان‌ها باعث شد تا آنان در شهر بمانند. حکومت همچنین برای کنترل مهاجرین دستور داد تا در روز پنج‌شنبه ۱۷ شوال مامورین و سواران در دروازه تهران مستقر شوند. بنابراین بازرگانان «در شبستان مسجد شاه فرش انداختند و در آنجا باقی ماندند». روز جمعه علاءالدوله برای انحراف وقایع در صدد احضار تجار چوب خورده و اعطای خلعت به آنان شد و وقتی تجار نپذیرفتند آنان را به زور به دارالحکومه کشاند. این امر باعث شد تا سعدالدوله که خود را مسئول حمایت از تجار می‌دانست با اعتراض به اقدام صدراعظم

درخواست استعفا داد. استعفای او را شاه و صدراعظم پذیرفتند و به یزد تبعید شد تا دیگر به تحریک تجار نپردازد (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۲۷۷).

در دوره مهاجرت صغری، تجار هزینه بست نشینان را تامین کردند. حاج محمدتقی بنکدار و برادرش حاج حسن (محمدحسن) از سوی تجار بزرگ مسئول تامین مخارج متحصنین از نهار و شام و قلیان و سیگار و چپق و جای شدند. این تحصن یکماه به طول انجامید.

واقعه‌ای که با درگیری تجار با دولت آغاز شده بود به مطرح شدن خواسته‌های سرکوب شده دیگر هم انجامید؛ با دستور شاه جهت تحقق خواسته متحصنین و پایان دادن به اعتراضات، سفیر عثمانی شمس‌الدین بیگ مامور آوردن لیست درخواست متحصنین برای شاه شد، عمده خواسته‌ها صنفی و ابتدایی بود. درخواست عزل مسیو نوز و درخواست دیگر یعنی اجرای قانون به طور مساوی و تاسیس عدالتخانه را که سفیر عثمانی بر لیست افزود و مهمترین خواسته‌های متحصنین از شاه بود. منظور از عدالتخانه تشکیل یک مرکز دادگری قضایی بود و هنوز بحث از نظام مشروطیت مطرح نبود (دولت‌آبادی بی‌تا: ۱/ص ۵).

این تحصن با وعده‌های دروغ شاه در تحقق بخشیدن به خواسته‌ها در ۱۶ ذی‌عده ۱۳۲۳ هـ.ق پایان یافت. اگرچه متحصنین برای احقاق حق خود یک ماه رنج تحصن را تحمل کردند اما دستگاه حاکمیت با گذشت زمان در انجام تعهداتش اهمال کرد و حتی در صدد کنترل و سرکوب نهضت برآمد؛ عین‌الدوله علاوه بر تبعید سعدالدوله وزیر مستعفی تجارت، میرزا محمود تاجر روشنفکر اصفهانی را با دو تن دیگر به کلدت تبعید کرد. عین‌الدوله همچنین با کنترل رفت و آمد افراد با شاه و نامه‌های اعتراض‌آمیز علما به او عملاً فضای هرگونه تهدید را بست.

عدم اجرای درخواست‌ها باعث شده بود تا هر روز در مساجد واعظین به تحریک مردم بپردازند. در ادامه اعتراضات و درگیری‌ها قتل طلبه جوانی بنام سید عبدالحمید توسط مامورین دولتی باعث تحریک عمومی شد. بازرگانان، بازارها را بستند و همراهی گروه‌های اجتماعی و جنبش علیه حاکمیت به مهاجرت دوم (کبری) انجامید.

با مهاجرت علماء به قم، اهالی پایتخت و به طور عمده بازرگانان با تهدید و دست‌اندازی ماموران حکومتی مواجه بودند و دیگر ملجایی نداشتند. اولین اقدام وحشت‌انگیز علیه بازرگانان و بخصوص فعالان تجار در مهاجرت صغری توسط مامورین به امر عین‌الدوله صدراعظم انجام شد؛ آنان به منظور دستگیری حاج حسن بنکدار به در خانه او رفتند اما چون او در خانه نبود زنش را دستگیر کرده و بردند. این اقدام مامورین باعث طلاق آن زن توسط حاج حسن شد. این زن در دوره مهاجرت صغری آشکارا به تحریک علنی علیه استبداد می‌پرداخت (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۵۰۵).

این اقدام انتقام‌جویانه علیه فعالیت‌های آزادیخواهانه بازرگانان باعث ترس و وحشت آنان شد تا به دنبال مفری برای حفظ امنیت جان و سرمایه خود در غیاب علماء باشند. گزارش دستگیری زن حاج حسن بنکدار توسط او و بردارش محمدتقی به جمع تجار در انجمن مخفی رسید و آنان به ریزنی پرداختند. ناظم‌الاسلام کرمانی، مورخ مشهور و عضو انجمن، آورده است که تجار برای حفظ امنیت خود از تعرض حکومت در بابویه با سید عبدالله بهبهانی ملاقات کردند و او تحصن به سفارت انگلیس در غیاب علما را مطرح کرد اما در خاطرات عبدالله بهرامی به نقل از حاج محمدتقی بنکدار اقدام به تحصن در سفارت انگلیس را حاصل مذاکرات و بحث بین تجار بزرگ همچون حاج محمد حسین امین‌الغرب و حاج محمدتقی شاهرودی و دیگران دانسته است. در گزارشات سفارت انگلیس هم درخواست و ارسال نامه بهبهانی و درخواست همکاری برای تحصن در سفارت مطرح شده که بعد از مدتی مورد تایید واقع شده است (بهرامی ۱۳۶۳: ص ۴۶-۷۵).

برخی منابع گزارش متضادی از روابط تجار و سفارت روس منعکس کرده‌اند: حاج سیاح محلاتی آورده است که تجار برای مصون ماندن از تعرض مامورین حکومت به سرمایه و جان خود از سفارت روسیه درخواست کردند تا اجازه داده شود در آنجا متحصن شوند ولی سفارت روس نپذیرفت. محیط مافی عکس واقع را صحیح دانسته که تلاش سفارت روس برای کشاندن آنان به سفارت خود بی‌نتیجه ماند و به سفارت انگلیس رفتند (محیط مافی ۱۳۶۳: ص ۱۷۴). قطعاً روسیه با توجه به ماهیت استبدادی حکومت خود و براساس منافع اقتصادی و سیاسی و سلطه محکمش بر

ایران مخالف هرگونه استقلال طلبی داخلی در ایران بود و این گزارشات در هر صورت بیانگر شدت رعب و وحشت حاکم بر پایتخت و تلاش تجار دریافتن پناهگاه امنی بود.

همه کسانی که جزو اولین متحصنین سفارت انگلیس شدند از بازرگانان بودند. ناظم الاسلام نوشته است که پس از تایید بهبهانی برای تحصن در سفارت، میرزا محمود اصفهانی تاجر روشنفکر و عضو انجمن مخفی در پی یافتن راهی برای کسب اجازه مامورین سفارت، همسایه خود بنام سید علاءالدین و دوستی او را با مامورین راه ارتباط با سفارت دانست. آنان به این شخص شصت تومان پول نقد و مجموعاً سیصد تومان وعده دادند تا تایید مامورین سفارت را از جمله شارژ دافر - در غیاب سفیر - بگیرد. در اولین شب تحصن در ۲۴ جمادالاول ۱۳۲۴ هـ ق نه نفر از تجار شامل آقا میرزا محمود تاجر اصفهانی، حاج محمد حسن بنکدار، حاج محمد ابراهیم، ملاحسن وارث، حاج علی ماهوت فروش، میرزا حاج آقا حریرفروش و آقا محمدتقی صراف و آقا سید آقا صراف به سفارتخانه متحصن شدند و قزاق‌ها مامور حفظ امنیت آنان نشدند (ناظم الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۵۱۱).

بازرگانان در جذب دیگران به تحصن گاه جهت اعمال فشار بر حاکمیت برای تحقق خواسته‌هاشان کوشیدند و در این امر موفق بودند. آنان سعی کردند تا همراهی عمومی و فرودستان یعنی کسانی که به کمک مالی و کالاهای آنان نیاز داشتند، جلب کردند. معمولاً هزاران تن در بازار با خرید اقساطی کالاهای تجار به آنان مدیون بودند. حاجی محمدعلی شالفروش معروف به حاجی حبیب تاجر معتبری بود که اجناس مورد نیاز را به مقدار زیاد وارد می‌کرد و در این دوره بحرانی با بخشش و تخفیف حدوداً یک کرور از طلبهایش، کسبه بدهکار را به بستن بازار و شرکت در تحصن تشویق کرد. بازرگانان همچنین در همراه کردن طلاب مدرسه صدر و دارالشفاء به برخی از آنان پول دادند (ملک‌زاده ۱۳۷۱: ۲/ص ۲۵۳).

سران تجار از خانه خود تحصن را اداره و حمایت می‌کردند. حاج محمدتقی بنکدار و حاج حسن همچون دوره مهاجرت کبری به درخواست حاج محمدحسین امین‌الضرب وکیل خرج متحصنین شدند و به اعتبار امین‌الضرب - هیجده هزار تومان از بانک شاهنشاهی انگلیس گرفت (بامداد ۱۳۶۳: ص ۱۴۳).

بازرگانان شامل حاج امین‌الضرب، حاج معین‌التجار بوشهری، حاج محمد اسماعیل مغازه، آقا میرزا محمود اصفهانی و ارباب جمشید علاوه بر کمک به متحصنین سفارت از مهاجرین قم غافل نماندند و به ارسال کمک به آنان پرداختند (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۵۵۵). در واقع این تجار عمده که در سفرهای خود عظمت اروپا را در اجرای قانون دیده بودند همه این مخارج یعنی تامین نیازهای چهارده هزار نفر متحصن را به منظور رسیدن به خواسته‌های خود و رفع مسایل گذشته از جمله استبداد داخلی و استعمار خارجی بر خود هموار کردند.

این بازرگانان با دیدار با شاه و صدراعظم برای حل مسایل کوشیدند. آنان قدرت آن را نداشتند تا در دیدار با شاه خواسته‌های متحصنین را تذکر دهند اما تاجر بزرگ و صریح اللهجه‌ای همچون معین‌التجار در جمع دوستانش با عین‌الدوله صدراعظم به صراحت درخواست همه معترضین را تشکیل مجلس از آن نوعی که در اروپا برقرار است، بیان کرد (دولت‌آبادی بی‌تا: ۱/ ص ۷۵-۷۶).

بازرگانان از حمایت جدی از متخصصین و خانواده‌های آنان تا تحقق و اجرای خواسته‌ها از سوی حاکمیت غافل نبودند. روز هشتم جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ هـ.ق یعنی چند روز قبل از صدور فرمان مشروطیت شایعه اوضاع سخت زندگی خانواده‌های متحصنین و اعتراض زنان آنان به خاطر بسته ماندن بازارها باعث شد تا بازرگانان به اساتید هر صنف پول بدهند که بین شاگردان تقسیم کند و به دست زنان و خانواده آنان برسد تا کار تحصن نیمه تمام نشود.

در بین بازرگانان خُرد و کوچک، آگاهی و فهم از موضوع مشروطیت ناچیز بود. در زمان تحصن، برخی تجار از جمله حاج محمدتقی بنکدار برای در میان گذاشتن سخنان خود نزد شارژ دافر می‌روند. بنکدار می‌گوید که وقتی وزیر مختار از او پرسیده که: «مقصودتان چیست. من فوری همان حرفی را که نواب زده بود گفتم ما مشروطه می‌خواهیم و چیزی دیگر نمی‌خواهیم». در خاطرات حاج محمدتقی بنکدار البته هویت کسی بنام «نواب» شخص نشد است اما به هر حال تاجری همچون بنکدار علیرغم عدم فهم معنای مشروطیت به وزیر مختار می‌گوید: «... اگر یکسال هم طول بکشد و سرما را از تن جدا کنند تا از اینجا مشروطه را نگیریم نخواهیم رفت...» (بهرامی ۱۳۶۳: ص ۷۶). حاج سیاح هم درخواست مشروطه را از سوی متحصنین به روشنفکران مربوط کرده و آورده است

که متحصنین در مقابل سوال شارژ دافر در معنای مشروطیت پاسخی نداشتند و شارژ دافر آن را «اجرای عدل و قانون و رفع تعدی و ظلم ترجمه کرد» (تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ص ۲۶-۲۹).

درخواست‌های متحصنین که عمده آنان از بازرگانان و کسبه بودند ابتدا تنها در حد تقاضاهای صنفی خود بود و از مجلس و مشروطیت سخنی نگفته بودند. در نهم جمادی الآخر پس از قبول استعفای عین‌الدوله و جانشینی مشیرالدوله توسط شاه، متحصنین سفارت خواسته‌های خود را تاسیس عدالتخانه، بازگشت علما و تامین امنیت ذکر کردند.

اصناف هم درخواست استرداد براتهای خود از دولت را مطرح کردند. آنان در توضیح منظور از عدالتخانه آن را محلی دانستند که در آنجا «شاه و گدا مساوی باشند» (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۵۲۹؛ Gilbar 1997:292 - 308). حبل‌المتین در انتقاد بازرگانان و نوع خواسته‌هایی که مطرح کردند نوشت: «... خدا بیامرزد حسن گاوی را و زیاد کند عمر شما تجار را که سنت او تجدید کردید. چرا صرفاً می‌فرمائید فلان حاکم و مسیو فلان را نمی‌خواهیم... این کار باعث بازگشت گمرک به وضع سابق می‌شود.» حبل‌المتین از آنان می‌خواهد که مسئولیت دولت و اصلاح آن را به جای درخواست‌های ضعیف ابراز کنند. حبل‌المتین خطاب به بازرگانان می‌گوید:

... عرض می‌کردید که استدعا می‌کنیم تمام تکالیف در کتابی مدون نمود. التفات کنید اراده به تشکیل مجلسی از تمام صنوف رعیت صادر فرمائید تا در میان ما قیم باشد. به عدالت حکومت شود و مساوات رعایت گردد... مسیو زهرمار... باید حسابش از اعضای مجلس پنهان نماند... اگر چوب بخواهیم خورد باطلاع مجلس و رضای وکلای دولت و ملت باشد... (روزنامه حبل‌المتین ۱۳۲۴ هـ.ق: ص ۲).

بازرگانان در آخرین تقاضای خود، درخواست تعدلت خانه دولتی را به مشورت خانه ملی تبدیل کردند و منظور همان مجلس شورای ملی بود (تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ص ۳۴). آنان با تلگراف به قم در صحبت با علمای مهاجر گرفتند: «ایشان هم با مردم تا مشروطیت نگرفته، ساکت نشوند» (حاج سیاح محلاتی ۱۳۴۶: ص ۵۶۰). همچنین در ادامه برای تحقق خواسته‌شان با تحصن در سفارت خواستار تشکیل «مجلس به طور صحیح» شدند (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۵۵۸).

علیرغم تایید و دستور شاه برای اجرای درخواست متحصنین و صدور فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۴، طرفداران استبداد از پیشرفت خیالات خود مایوس نبودند و «در مضامین دستخط تصرفات نمودند بطریقی که مقصود اصلی که اعطای مشروطه بود از آن مفهوم نمی‌شد به علاوه شاه از امضاء قانون انتخابات وکلای مجلس شورای ملی امتناع کرد» (بشیری ۱۳۶۳: ص ۱۱). این وقایع منجر به تحصن مجدد در سفارت شد. در این وقایع تلاش بازرگانان جدی‌تر از همه بود؛ آنان در شانزدهم جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ هـ.ق با ارسال تلگرافی به لندن درخواست حمایت برای اجرای خواسته‌هایشان توسط دولت ایران کردند. در پاسخ به تلگراف تجار شارژ دافر به همراه چند از بازرگانان عمده به منزل صدراعظم رفتند که «... در دستخط که مجلس شورای اسلامی نوشته‌اند باید به این عبارت مجلس شورای ملی تبدیل شود چه شاید بعضی به اغراض شخصی یکی از مبعوثین را تکفیر کنند... پس از مذاکرات بسیار صدراعظم متقبل گردید که همه مقاصد آقایان و تجار و کسبه را برآورده نماید» (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۵۶۲).

پس از آن بازرگانان با ارسال پول برای علما مقدمات بازگشت آنان را فراهم کردند. در هیجدهم جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ هـ.ق مشیرالدوله صدراعظم و میرزا محمدصادق طباطبایی - پسر سید محمد طباطبایی - به سفارت رفتند و متن فرمان مشروطیت را در چادر تجار خواندند تا به تحصن پایان دهند. پخش عکس سیاسی سه تاجر عمده حاج محمد حسین امین‌الضرب، حاج محمد اسماعیل مغازه و حاج محمد معین‌التجار بوشهری باعث اطمینان تجار و خروج آنان از تحصن شد.

بازرگانان مهمترین گروه اجتماعی در حمایت علمی برای تحقق خواسته‌های عدالتخواهانه باقی ماندند. آنان تاخیر عمدی دولت را در تصویب نظامنامه انتخاب نپذیرفتند و ضمن تحصن در سفارت انگلیس خواستار تشکیل مجلس و دادن ضمانت کاری آن شدند. همچنین وقتی که به رفتار سید عبدالله بهبهانی روابط او با دستگاه حاکم مشکوک شدند به سید محمد طباطبایی شکایت کردند که اگر او با اخذ رشوه «ما ملت را بفروشد او را خواهیم کشت» (ناظم‌الاسلام کرمانی ۱۳۶۲: ص ۵۶). این در حالی بود که بهبهانی از بزرگترین رهبران مشروطیت بود و همراهی او در تحصن‌ها و همکاری با تجار برای خود آنان مشخص بود.

گروه اجتماعی بازرگانان ایران - به ویژه بازرگانان عمده - با برقراری نظام مشروطیت، تلاش خود را در کامیابی نهادهای جدید و قانونمند دولت مدرن در امور قانونگذاری و عدلیه و مالیه انجام دادند. آنان در دوره دو ساله عمر مجلس اول یوم‌التوب متحدترین گروه اجتماعی حامی مشروطیت باقی ماندند و «تاریخ باید باسم این گروه گمنام و بیشکوه نوشته شود» (کسروی ۱۳۵۱: ص ۴).

۲-۳- نتیجه‌گیری

از میانه‌ی قرن نوزدهم میلادی به بعد هم، رشد و ارتقای فکری و آگاهی و علم بازرگانان به عنوان یکی از سه عامل تحول‌خواهی، به سلطه‌ی خارجی و ستم داخلی مربوط بود؛ ضربات وارده بر بازرگانان ایران ناشی از حضور و سلطه‌ی خارجی بر بازار و تجارت ایران به خود آگاهی درونی این قشر اجتماعی از اشتراک منافع اقتصادی و سیاسی شد. این موضوع به رشد فکری آنان و هماهنگی و همراهی در حل مسایل صنفی انجامید. از سوی دیگر، ستم روز افزون حاکمان داخلی در سراسر ایران با زیاده‌ستانی‌های مالیاتی و بی‌توجهی به تامین امنیت و عدالت علیرغم عریضه‌ها و شکایات متعدد بازرگانان باعث شد تا آنان ضمن ناامیدی از بهبود اوضاع داخلی و به خاطر ورشکستگی، به ناچار به ترک وطن در سطح وسیع اقدام کنند. این موضوع و مسافرت‌های آنان به اروپا و آشنایی با مظاهر ترقی و نظم و قانون به تحول فکری و اخذ تجارب و اقدامات ترقیخواهانه آنان در فراهم کردن بسترهای یک تجارت قوی از طریق وارد کردن کارخانه‌ها و صنایع حمل و نقل و... کمک کرد. بازرگانان عمده در این مسافرت‌ها، علل پیشرفت ممالک را مفاهیمی همچون حاکمیت قانون، ثبات و امنیت، وجود حکومت مرکزی قوی و توجه به توسعه صنعت می‌دانستند لذا برای فراهم کردن بسترهای آگاهی همصنفان خود و همه مردم به ارسال نامه‌هایی در علل تحولات جهان و عقب‌ماندگی ایران و وارد کردن روزنامه‌های فارسی زبان مبادرت کردند.

بازرگانان ایران پس از فهم مشترک مسایل صنفی خود، ضمن اتحاد و هماهنگی سیاسی و اقتصادی، اقدامات جدی‌تری انجام دادند؛ آنان بر همین اساس، در تشکیل مجلس وکلا (۱۳۰۱هـ.ق) به ایجاد نهاد مدرنی به منظور حل مسایل صنفی و تلاش برای ارتقای تجارت داخلی و تامین عدالت و امنیت بدون مراجعه به مراکز دولتی مصمم شدند. مجلس وکلای تجار در اکثر ایالات به انتخاب اعضاء و در هماهنگی با مجلس پایتخت کوشید. اصول مدون در نظامنامه‌ی مجلس وکلا بیانگر

میزان آگاهی و فهم بالای بازرگانان ایران است. آنان پس از ناامیدی از همکاری دولت و وزارت تجارت، خود در اصلاح امورشان پیشگام شدند. اگرچه، این مجلس علیرغم اهداف والا و مترقی‌اش، به خاطر دسیسه حکام و برخی علماء منحل شد اما در بررسی تاریخیچه روشن‌نگری و تحول‌خواهی بازرگانان سندی پر ارزش است. آنان همچنین با شرکت در جنبش عمومی علیه انحصارنامه رژی تنباکو در نفی خود رایی حاکمیت و سلطه‌جویی خارجی تلاش کردند. این تلاش آنان به موفقیت انجامید اما در آینده نتایج عملی در منع اعطای امتیازات به بیگانگان نداشت.

تشکیل شرکت‌های تجاری از سوی بازرگانان به منظور ترقی دادن تجارت داخلی با جمع کردن سرمایه‌های اندک و پراکنده در قالب طرح‌های بزرگ بود. تداوم و تشدید مسایل متعدد بازرگانان در طول سال‌های متمادی به سیاسی شدن حرکت بازرگانان در آستانه‌ی مشروطه‌خواهی منجر شد؛ آنان به طور گروهی و آشکارا در سال ۱۳۲۳ هـ.ق با تحصن در حرم شاه عبدالعظیم، به اولین اعتراض صنفی خود اقدام کردند. همراهی بازرگانان در ایالات مختلف با این تحصن و آغاز ارتباط اساسی بازرگانان و مراکز روشنفکری از جمله انجمن مخفی، از وجوه اهمیت این اقدام بازرگانان است. این اقدام آنان در اعتراض به ظلم گمرکی ماموران بلژیکی امور گمرکات بود که حمایت جدی مظفرالدین شاه و صدراعظم عین‌الدوله از مسیونوز به خاطر منافع مالی، مانع از رسیدگی به تجار معترض شد.

به تدریج عدالت‌طلبی و امنیت‌خواهی بازرگانان به دو نیروی اجتماعی عمده مجهز شد تا موانع تحقق آنان از میان برود. بازرگانان در این دوره محور ائتلاف گروه‌های اجتماعی بودند؛ از این پس علماء رهبری بازرگانان تحول‌خواهی را به دست گرفتند که در فهم مبانی قانون‌خواهی و عدالت طلبی - و بعدها مشروطه‌خواهی - از سوی روشنفکران تغذیه می‌شدند.

سهم بازرگانان از برقراری نظام مشروطیت، حضور در مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تلاش در حل مسایل و اجرای طرح‌های ملی بود. همچنین خواسته‌های تاریخی آنان در اصول قانون ساسی و متمم آن گنجانده شد. آنان تا زمان بمباران مجلس، خالص‌ترین گروه حامی مشروطه ماندند که برای تحقق و اجرای قانون و اهداف مشروطه پرتلاش بودند. بازرگانان دسیسه

مخالفان مشروطه را در اعلام «مجلس شورای اسلامی» به جای «مجلس شورای ملی» با اعتراضات خود نقش برآب کردند و در وادار کردن وزارتخانه‌ها برای اجرای مسئولیت خود و همراهی‌شان با مجلس نقش اساسی داشتند. بازرگانان در رفع مسایل و اغتشاشات و برقراری ثبات و امنیت و علمی کردن تجارت برای رونق دادن به اقتصاد و حفظ استقلال ملی سختی‌های زیادی بر خود هموار کردند. آنان، برخلاف سایر گروه‌ها، دچار تفرقه داخلی در نگرش خود نسبت به مشروطیت نشدند و تاریخ باید بنام این گروه گمنام نوشته شود.

در ایالات هم، سهم بازرگانان در پیشبرد اهداف مشروطیت پر رنگ بود؛ اعلام حمایت از طرح تاسیس بانک ملی، اعتراضات علیه حضور خارجی و عزل مسیونوز، تلاش برای اعمال اصلاحات مالیاتی و تامین امنیت، مقابله با ادامه‌ی سلطه خارجی در جنوب از طریق برانداختن پرچم‌های انگلیس و اخراج حکام ستمکار و مخالف مشروطیت از جمله اقدامات حمایتی بازرگانان ایالات از مشروطیت بود. آنان تلاش کردند تا بحران‌سازی‌های مخالفان، باعث کدورت اجتماعی از نظام نوپای مشروطیت نشود و برای این مهم ضمن عضویت در انجمن‌های ایالتی و مراکز حامی مشروطه به حل مسایل روزمره اجتماعی، اقتصادی و امنیتی مبادرت می‌کردند.

حمایت بازرگانان از نظام مشروطیت، همه جانبه و جدی بود. آنان در اصول و متمم قانون اساسی به حقوق خود نایل شدند اما نیم بند ماندن پروژه‌ی مشروطیت به خاطر مسایل داخلی و حضور خارجی باعث شد تا حقوق آنها به مرحله‌ی اجراء در نیاید.

منابع و مأخذ:

منابع فارسی

۱. اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخ رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران: زمینه.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰)، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، المآثر و الآثار، «چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه»، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۴. آدمیت، فریدون (۱۳۵۵)، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام.

۵. آدمیت، فریدون و ناطق، هما (۱۳۵۶)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار، تهران: آگاه.
۶. بامداد، مهدی (۱۳۵۸)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران: کتابهای جیبی.
۷. براون، ادوارد. جی (۱۳۳۸)، انقلاب ایران، ترجمه احمدپژوه، تهران: کانون معرفت.
۸. بشیری، احمد (۱۳۶۳)، کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو.
۹. بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳)، خاطرات عبدالله بهرامی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. پولاک، ادوارد. یاکوب (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۱۱. تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۷۷-۱۳۰۷ هـ.ق (۱۳۳۸)، تهران: بانک ملی ایران.
۱۲. تفرشی حسینی، احمد (۱۳۵۱)، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران «یادداشت‌های احمد تفرشی حسینی در سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۸ قمری، به انضمام وقایع استبداد صغیر»، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۱۳. تنکابنی، میرزا محمد (بی‌تا)، قصص العلماء، تهران: علمیه اسلامی.
۱۴. جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۶۲)، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، تهران: کاوه.
۱۵. حاج سیاح محلاتی، محمدعلی (۱۳۴۶)، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: کتابخانه ابن سینا.
۱۶. حبل‌المتین (کلکته) سال‌های بین ۱۳۱۳ هـ.ق تا ۱۳۲۴ هـ.ق.
۱۷. حبل‌المتین، (۱۷ ذی‌حجه ۱۳۲۳ هـ.ق)، سال سیزدهم، شماره ۲۶.
۱۸. حبل‌المتین، (دوشنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۸ هـ.ق)، سال نهم، شماره ۴.
۱۹. حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۱)، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه، دکتر منصور رستگار فسایی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۲۰. دستره، آنت (۱۳۶۳)، مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران (۱۸۹۸-۱۹۱۵ م.)، ترجمه منصور اتحادیه (نظام مافی)، تهران: تاریخ ایران.
۲۱. دولت آبادی، یحیی (بی‌تا)، حیات یحیی، ج ۲، تهران: ابن سینا.

۲۲. روزنامه پرورش (قاهره - مصر)، (۱۰ محرم ۱۳۱۸)، سال اول، شماره ۱۴.
۲۳. روزنامه ثریا، (دوشنبه ۲۲ ربیع الآخر ۱۳۲۳ هـ/ق/ ۲۶ ژوئن ۱۹۰۵)، شماره ۳۶.
۲۴. روزنامه اختر (استانبول)، (۹ جمادی الآخر ۱۳۰۸ هـ/ق)، سال هفدهم، ش ۲۳.
۲۵. روزنامه ثریا، (دوشنبه ۲۹ ربیع الآخر ۱۳۲۳ هـ/ق/ ۳ ژوئیه ۱۹۰۵)، شماره ۳۷.
۲۶. روزنامه ثریا، (قاهره - مصر)، (۲۴ جمادی الاول ۱۳۱۷ هـ/ق)، سال اول، شماره ۴۱.
۲۷. روزنامه جبل المتین، (۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۴ هـ/ق)، سال سیزدهم، شماره ۳۶.
۲۸. سازمان اسناد ملی: پرونده‌های مربوط به وزارت مالیه، وزارت تجارت، وزارت عدلیه، اسناد ادارات گمرکی، اسناد مربوط به اشخاص تجار از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۷ هـ/ق اسناد مربوط به تهران، آذربایجان، یزد و بوشهر سالهای بین ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۶ هـ/ق.
۲۹. سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۶۸)، یادداشت‌های ملک‌الموریخ و مرآت الوقایع مظفری، با تصحیحات و مقدمه دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: زرین.
۳۰. شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
۳۱. ضرابی (سهیل کاشانی)، عبدالرحیم کلانتر (۱۳۴۱)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
۳۲. عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
۳۳. فلور، ویلم، م. (۱۳۴۴)، تجار در ایران عصر قاجار، ترجمه غلامعلی عرفانیان، مشهد، دانشگاه فردوسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره اول.
۳۴. فلور، ویلم، م. (۱۳۵۲) جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۱ و ۲، تهران: توس.
۳۵. کاساکوفسکی، ولادمیر (۱۴۰۱)، خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: اساطیر.
۳۶. کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ م. پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران: آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهامی).
۳۷. کرزن، جرج. ن. (۱۳۶۷)، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۸. کسروی، احمد (۱۳۵۱)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
۳۹. لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷)، ناسخ‌التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

۴۰. لمبتون، آن. ک.س (۱۳۷۵)، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: جاویدان خرد.
۴۱. محیط مافی، هاشم (۱۳۶۶)، تاریخ انقلاب ایران یا مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان فدا، تهران: علمی.
۴۲. مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین (۱۳۹۳)، سیاحتنامه ابراهیم بیک، به کوشش م.ع. سپانلو، تهران: آگاه.
۴۳. معاصر، حسن (۱۳۴۷)، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران (مستخرج از روی استاد محرم‌انه وزارت امور خارجه انگلستان)، استخراج و تهیه حسن معاصر، تهران: ابن سینا.
۴۴. معتضد، خسرو (۱۳۶۶)، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، تهران: جانزاده.
۴۵. ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی.
۴۶. مهدوی، شیرین (۱۳۷۹)، زندگینامه‌ی حاج محمدحسن کمپانی دارالضرب، ترجمه منصوره اتحادیه / فرحناز امیرخانی حسینی‌لو، تهران: تاریخ ایران.
۴۷. ناطق، هما (۱۳۷۳)، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، تهران: توس.
۴۸. ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد (۱۳۶۲)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه.
۴۹. وقایع اتفاقیه؛ مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲هـ.ق (۱۳۶۲)، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نوین.
۵۰. منابع لاتین

۵۱. Gilbar. G.G (1997), The merchants (Tujjar) and the persian constitutional revolution of 1905, Asian and African studies, XL.
۵۲. Werner, Christoph (2005), "Pious Merchants Religious sentiments in wills and testaments", Religion and society in Qajar Iran, Ed. by: Robert Gleave, london and newyork, Routledge Curzon, 1st Ed.